

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنگ راد  
۱۰ اپریل ۲۰۱۸

## اتحاد "فدائیان" - حزب چپ ایران -، موضوع بر سر چیست؟

چند روز قبل تعدادی از عناصر و نیروی باقی مانده و در حقیقت فاقد بُرش و اصالت انقلابی، در المان به گرد هم آمدند، تا کاری "دگر"، انجام دهند!! سردمداران اصلی این گروه‌مائی، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران - طرفداران وحدت چپ و کنش‌گران چپ بودند؛ سازمان‌های "محبوب و درخشانی" که، در کوله بار سیاسی خود، چیزی جز بدنامی، بی‌عملی، خیانت به انقلاب و انقلابیون و همچنین پشت کردن به منافع کارگران و زحمت‌کشان ندارند.

شوربختانه به دلیل فقدان حضور و پراتیک انقلابی و کمونیستی در درون جامعه، ماهیت و معنای حقیقی اپوزیسیون سالم و چپ، وارونه شده است. اگرچه و در این رابطه نمی‌توان و نمی‌باید، عناصر متشکله در کلن را، در پهنه نیروهای متعهد به آرمان‌های مردمی و همچنین در محدوده چپ خارج از کشوری جای داد و به دنبال، سیاست نقد و روشن‌گری را در مقابل‌شان انتخاب نمود؛ به این دلیل مبرهن که، سازمان اکثریت نه به‌عنوان نیروی انقلابی و یا سازمان چپ، بلکه از زمره سازمان‌های وابسته به منافع سرمایه به‌حساب آمده و از زمان شکل‌گیری‌اش و تاکنون، همکار عملی نظام جمهوری اسلامی و همچنین، پیرو سیاست و مدافع جناح‌هایی از حاکمیت بوده و می‌باشد.

در هر صورت و جدا از این‌ها "حزب چپ ایران" ادعائی اکثریت، قصد "دگر"ی نموده و در صدد احیاء، و پی‌گیری افکار فدائیان اواخر و اوائل دهه‌های چهل و پنجاه است. ناگفته نماند که سازمان‌های متشکله در کلن و بعضاً جماعت تشکیل دهنده آن، در دوره‌های متفاوت هم، روند هم‌گرایی و یکی‌شدن را تجربه کردند و ناموفق از همه آن‌ها بیرون بدر آمده‌اند؛ ناموفقی‌هایی که، همچنان علل و ایرادات آن‌ها در دالان‌های سراسر خفت‌بار سیاسی‌شان گیر کرده است. علی‌رغم چنین وضعیت و در پرتو چنین ثمره نافرجامی، مضحکه تازه‌ای را سازمان داده‌اند و به‌قول خویش، می‌خواهند جامعه را به سمت "آزادی و دموکراسی" و .... رهنمون سازند! پُر واضح است که موارد طرح شده از جانب اکثریت را، نباید جدی گرفت و می‌باید به‌حساب طنز سیاسی نوشت. به این دلیل که پای‌بندی به این‌گونه مقوله‌ها در درجه نخست، نیازمند صداقت و حمل افکار انقلابی، و در ثانی مستلزم حضور در صحن مبارزه طبقاتی و وصل به پایگاه اجتماعی‌ست. معلوم است سازمانی که کوله‌باری از خیانت به آرمان توده‌ها در کارنامه سیاسی خود دارد، قادر به سمت‌وسو دادن جامعه به مسیر بالنده و همچنین برگرداندن چرخه سیاست به نفع میلیون‌ها توده دردمند نیست؛ چنین سازمانی و از جمله سازمان‌های متشکله در "حزب چپ ایران"، بنابه ماهیت‌شان، اساساً فاقد کاربزمای سیاسی و فاقد

پتانسیل مبارزاتی‌اند؛ به طور قطع جلسات کلن و اتحاد "فدائیان" را نه تنها نباید جدی گرفت، بلکه باید آگاه بود که حنا و حیات "حزب چپ ایران"، پیشاپیش رنگ باخته است و در زمانی نه چندان دور، فاتحه آن خوانده خواهد شد. به هر حال با توجه به دورنمای سیاسی "اتحاد فدائیان"، باید به این سؤالات پاسخ داد که موضوع و هدف فسیل‌هایی که، در توشه سیاسی خود، انبانی از خیانت به جنبش‌های انقلابی و کمونیست‌ها دارند، چیست؟ آیا اساساً می‌توان این جماعت را، در دایره چپ به رسمیت شناخت و سر و صدای چند ده نفره‌شان را، جدی گرفت و به حساب کار تازه‌ای نوشت؟

خلاصه و در یک کلام می‌توان گفت که وضعیت کنونی و نگاه‌شان نسبت به حاکمیت و بافت‌های متفاوت در آن، و همچنین عکس‌العمل‌های تاکتونی‌شان در برابر جنبش‌های اعتراضی و مطالبات بحق مردمی، تکرار کار و همان سیاست شکل‌گیری سازمان اکثریت، و به‌دنباله از سنخ اتحاد سال نود و یک، و نود و پنج، و آن‌هم با شکل و شمایل دیگری است. سازمان و "حزب چپی" که با آرمان مردمی و با جای‌گزینی حکومت کارگری بیگانه است؛ سازمان و "حزب چپی" که تعلقش به بالاست و بوئی از وفاداری به طبقه پائین نبرده است. هم‌سوئی و هم‌پاری با جنبش اصلاح‌طلبی و جناح معتدل نظام، شرکت در انتخابات کدائی رژیم جمهوری اسلامی و هدف قرار دادن مبارزان و کمونیست‌ها و امثالهم، از زمره فعالیت‌های مؤسسين "حزب چپ ایران" را تشکیل می‌دهد؛ سازمان و "حزب چپی" که سر و افکارش، به اصلاح‌طلبان حکومتی و به سیستم و به مناسبات گنبدیده سرمایه وصل است.

باری، آمده است و می‌گویند، باید روند انتخابی پیش‌رو را به فال نیک گرفت و بر چپ پراکنده و فاقد جایگاه حقیقی، فائق آمد! به این امیدند «که "حزب چپ ایران (فدائیان خلق)" بتواند در امتداد اجتماعی و تاریخی خود که همانا جنبش اجتماعی و تاریخی فدائیان خلق است، گسترش و پیوند یابد. همان فدائیانی که از سیاهی جنگ‌های سیاه‌کل با امید به رهایی و خوشبختی مردم ایران مبارزه را حتی بدون برنامه و سیاستی تدوین شده آغاز کردند، ...» - وهاب انصاری، یکی از اعضای شورای مرکزی "حزب چپ ایران" -.

با حمل چنین نظر و ادعای دروغین، می‌توان فهمید که این جماعت - و بنابه سیاق همیشگی‌شان -، خشت کار را بد ریخته‌اند و با تحریف تاریخ بخشی از منش و افکار کمونیست‌های راستین و به ویژه برنامه در پس سیاه‌کل، بر موقعیت نامتعادل فکری خویش سرپوش می‌گذارند. نمی‌خواهند رو راست باشند و آگاهانه با توسل به‌دروغ و دغل‌بازی، آغاز کار "حزب چپ ایران" را، با آغاز کار بهترین فرزندان کارگران و زحمت‌کشان و آن‌هم در دهه‌های سیاه دیکتاتوری رژیم شاهنشاهی یکسان جلوه می‌دهند. بدون این‌که اشراف داشته باشند، سیاه‌کل حاوی سیاست و برنامه روشن کمونیستی بود و کمترین کج‌فهمی و یا چندگانگی، در حرکت انتخابی رزمندگان آن دوره نبود؛ بدون این‌که بخواهند به‌خود بقبولانند، سیاه‌کل هدف اصلی خود را بدرستی شناخت و بی‌دلیل هم نبود که، در کمترین زمان ممکنه توانست، توجه افکار جامعه و جوانان را به سمت خود جلب و نقش بس تعیین‌کننده‌ای در مقابل ارگان‌های سد‌کننده جنبش‌های اعتراضی و روشن‌فکری ایفاء نماید. بنابه چنین علائم واضح و مدللی، باید گفت که تفاوت بسیار عظیمی است ما بین آن چپ و حزب به اصطلاح چپ ایران! چرا که آن چپ، تکیه‌اش به مردم بود و این "چپ"، نگاهش به بالا و به جناح‌های مختلف نظام جمهوری اسلامی است. تنها اشتراک نوشتاری فرسودگان سیاسی، در سوءاستفاده از نام آن فدائیانی است که، "حزب چپ ایران"، بر طاق خود چسبانده است.

حقیقتاً که کار این جماعت، مردم نیست و بی‌مایگی سیاسی عناصر و جماعت متشکله در "حزب چپ ایران" هم، بسیار آشکارتر از آن است که بتوان، انتظاری از تشکل "نو" بنیادشان داشت. دکان تازه‌ای را باز کرده‌اند و مطمئناً بدون مواجهه با مشتری تازه‌تر، بسته خواهد شد. به این دلیل که با گذشته سراسر نکبت‌بار خود، تصفیه حساب سیاسی نکرده‌اند و رندانه از نام فدائی سود می‌جویند تا در ماندگی و استیصال سیاسی خود را توجیه نمایند. سپاه پاسداران را به

سلاح‌های سنگین مجهز کنید، همکاری‌های عملی با ارگان‌های سرکوب‌گر نظام، راه‌اندازی دفاتر در نهادهای سپاه پاسداران و دیگر دوائر سرکوب ... از زمره کارنامه سیاسی‌شان را تشکیل می‌دهد. موضوع اینان، اتحاد و یا جهت دادن اعتراضات مردمی علیه طبقه حاکم بر جامعه نیست، بلکه پاسخ به نیازهای درونی و دم تکان دادن، به جناح‌های متفاوت نظام است. همه هدف، امید و آرزوی‌شان، در جلب توجه بخش‌های متفاوت نظام و همچنین قدرت‌مداران بین‌المللی - در آرایش سیاسی آتی جامعه ایران - است. با این تفاسیل، موضع عنصر و نیروی طرف مردم، و متعاقباً نوع چگونگی برخورد با چنین تجمعاتی کاملاً روشن است. بر این اساس هرگونه ورود به بازی‌های سیاسی انتخابی آنان مبنی بر به نقد کشاندن افکارشان، و یا انتخاب دیالوگ سیاسی و برنامه‌ئی، چیزی جز عدول از مبارزه ایدئولوژیک سالم در درون نیروهای کمونیستی نیست. به دنباله هرگونه گفت‌وگو انتقادی - اقناعی با "حزب چپ ایران"، نه تنها بنام صحیح، بلکه تطهیر چهره کثیف امثالی همچون مهدی فتا پور، فرخ نگهدار و دیگر دار و دسته‌ها و حامیان فکری‌شان می‌باشد. یگانه متمدن روشن‌گری و زنده نگه داشتن حافظه تاریخی پیرامون چنین جریان‌ها و عناصر متعلق به طبقه بالائی‌ها، در انتخاب و در پی‌گیری سیاست افشاء‌گری و به‌دنباله طرد آنان، از صفوف نیروها و عناصر وابسته به طبقه پائینی‌هاست.

بدین ترتیب، لازم و ضروری‌ست تا به‌جای به نقد کشاندن برنامه و افکار آنان، بار دیگر ماهیت سراسر خیانت‌بارشان را گوشزد کرد و به نسل جوان امروزی آموخت، که چگونه سازمان اکثریت، به همراه ارگان‌های سرکوب‌گر نظام جمهوری اسلامی، نقش بس عظیمی در به خاک و خون کشاندن مبارزان، کمونیست‌ها و همچنین در پس زدن و سرکوب جنبش‌های اعتراضی داشته است. همراهی در سرکوب جنبش خلق ترکمن‌صحرا، کردستان، همکاری‌های عملی با نیروهای سرکوب‌گر نظام در کشت و کشتار مردم و تعرض مسلحانه به سربداران در پنجم بهمن [دلو] سال شصت - در آمل و جنگل‌های مازندران -، همراهی با ضد انقلابیون، در تعقیب و دستگیری مبارزان و کمونیست‌ها در خیابان‌های ایران و ... از جمله فعالیت‌های سازمان متشکله در "حزب چپ ایران" را تشکیل می‌دهد. واقعیت این است که سازمان اکثریت با جناح‌های متفاوتش، در تاریخ جنبش اعتراضی - کمونیستی ایران، بسیار بدنام‌اند و می‌بایست و باید، در فردای انقلاب مورد بازخواست و محاکمه قرار گیرند. این جریان‌ها با اتخاذ سیاست ضد انقلابی، ده‌ها مبارز و کمونیست را روانه زندان‌های مخوف جمهوری اسلامی نمودند و از دم تیغ جلادان نظام گذراندند؛ این سازمان‌ها در دوره‌های متفاوت، به حمایت از جناح‌های به اصطلاح اصلاح‌طلب، جنبش سبز و اعتدال حکومتی برخاسته‌اند و نقش سوپاپ اطمینان نظام امپریالیستی را ایفاء نموده‌اند؛ موضوعاتی که همچنان در دستور کار "حزب چپ ایران" قرار دارد و حاضر به فاصله‌گیری، و یا قطع مراوده و مصاحبت سیاسی با نظام و بخش‌هایی از آن نیستند. این جماعت در خط و در صفوف مردم قرار ندارند و انگیزه اصلی و محوری‌شان، وحدت و مدارائی با جناح‌های "آرام" نظام، کسب جایگاه معقول‌تر در میان اپوزیسیون خارج از کشوری و همچنین جلب توجه قدرت‌مداران بین‌المللی در آرایش سیاسی بعد از جمهوری اسلامی‌اند. بر مبنای چنین حقایقی و به یقین می‌توان گفت که گردانندگان اصلی "حزب چپ ایران" و به ویژه سازمان اکثریت، کمترین تفاوت ماهوی با اصلاح‌طلبان و معتدلین حکومتی ندارند و همه آنان، سوار بر قطار واحد‌اند. به همین منظور هرگونه مهربانی و سازش‌گفتاری، و یا انتخاب دیالوگ به نیت روشن‌گری، چیزی جز ترویج و تبلیغ بنادرست مبارزه ایدئولوژیک مابین نیروهای انقلابی، و همچنین، چیزی جز تطهیر چهره سخیف و شنیع عناصری‌همچون فتا پورها و نگهدارها نیست.

۹ اپریل ۲۰۱۸ - ۲۰ فروردین [حمل] ۱۳۹۷